

شعار

شماره دهم، پاییز ۱۴۰۲ - تبیین شعارهای مشترک هیأتها

مادر

مظلومه

بود و یاور

مظلومها

مادر مظلومه

بود و یاور

مظلومها

تبیین شعار فاطمیه ۱۴۴۵



شعار

شعار - تبیین شعارهای مشترک هیأت‌ها
شماره دهم، پاییز ۱۴۰۲

مادرم مظلومه بود و یاور مظلوم‌ها

تبیین شعار فاطمیه ۱۴۴۵
تهیه و تنظیم: معاونت تولیدات رسانه‌ای جامعه ایمانی مشعر
به کوشش: هادی مرادی فرهمند
طراح جلد و صفحه‌آرا: حسن ناصری
شمارگان: ۵۰۰۰ نسخه

استفاده از مطالب نشریه و تکثیر آن برای هیأت‌ها در صورت ذکر منبع، ان‌شاءالله مصداق تعظیم شعار است.



جامعه ایمانی مشعر

پایگاه اطلاع‌رسانی: www.1542.org
رایانامه: info@1542.org

قم - صندوق پستی: ۳۷۱۹۵ - ۱۵۱۳
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۵۴۲

بِسْمِ الرَّبِّ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بلا و مصیبت دنیا قانونی الهی است که به دلایل گوناگونی شامل تمامی انسان‌ها می‌شود و بنا بر شأن و ظرفیت انسانی نیز شدت و ضعف پیدا می‌کند. انسان‌های وارسته و مقرب درگاه الهی قطعاً سهم بیشتری از این مصائب داشته و به لحاظ جایگاه خود و مسئولیت‌هایی که بر دوش ایشان سنگینی می‌کند، در مواجهه با جبهه باطل از نوعی مصیبت بهره می‌برند که جلوه بیشتری در میان بلا یا داشته و از آن تحت عنوان «ظلم» یاد می‌شود. این بلای انسانی و جنی که تا ظهور منجی بشریت، دامن‌گیر جبهه حق، به ویژه رهبران آن خواهد شد از ایشان چهره‌ای «مظلوم» در برابر چشمان آیندگان خواهد ساخت و موجبات پیروزی جبهه حق را برای آنها به ارمغان خواهد آورد.

با نگاهی عمیق‌تر به مقوله مظلومیت می‌توان دریافت که نه‌تنها شدت ظلم‌هایی که به جبهه حق و در رأس آن به حضرات معصومین علیهم‌السلام روا گشته اوج تقرب الی‌الله را برای ایشان در پی دارد، بلکه مقدمات شکست باطل را در طول زمان به ارمغان خواهد آورد. پس ظلم، در عین تهدید، بهترین فرصت برای مؤمنین است تا با بیدار کردن فطرت انسانی بشریت بتوانند جریان عالم را به سوی حاکمیت حق و صلاح سوق دهند.

پر واضح است که انبیاء و اولیای الهی از مظلومیت بیشتری در طول تاریخ برخوردار بودند و همین امر، حقانیت و تقدس چهره آنان را بیش‌ازپیش برای مردم جهان آشکارتر می‌کند. طبیعتاً آن چهره مقدسی که عمر بیشتری از حیات خود را سپری کرده باشد، متحمل مظلومیت و مصائب بیشتری نیز خواهد شد و تجربه گسترده‌تری از مواجهه بیشتر و عمیق‌تر با شیاطین عالم کسب خواهد کرد. اما با مراجعه به تاریخ اسلامی که شدیدترین ظلم‌ها به رهبران آن روانه شده است، شخص بزرگی را می‌یابیم که علاوه بر جنبه بانو بودنشان، در سن کوتاه خود متحمل ظلم‌هایی گشته‌اند که مردان عالم در برابر آنها کوچک‌ترین تاب و تحملی نخواهند داشت. او کسی نیست جز دخت پیامبر گرامی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم که از ابتدای کودکی خود در شعب ابی‌طالب

سخت‌ترین دوران را تجربه نمود و در اوج جوانی خود، آن چنان یگه و تنها بر گرد محور حق و حقانیت پرواز کرد و بر علیه ظلم تازید تا تاریخ، شاهد یکی از جان‌سوزترین مظلومیت‌هایی باشد که آسمان و زمین به خود دیده است. ظلم‌هایی که به ایشان وارد گردید منحصر به سال‌های عمر بابرکت ایشان نبوده و علاوه بر ستم‌های مضبوط در تاریخ، ایشان را در طول زمان نیز مظلوم‌تر ساخته که گمنامی و بی‌نشانی ایشان یکی از غربت‌ها و مظلومیت‌های ایشان به شمار می‌رود.

آری؛ او همان حضرت فاطمه علیها السلام و بانوی بی‌نشانی است که امروزه همگان ایشان را با نام «مادر» می‌خوانند و پدر بزرگوارشان نیز او را «اُمّ ابیها» خطاب می‌کرد. گویی او مادر متولد گشته تا از همان ابتدا دستگیر و یاور مظلومان عالم باشد. مادری که در سخت‌ترین شرایط زندگی، باب حاجات مؤمنین بوده و هیچ‌گاه دست رد به سینه حاجت‌مندان نزده است.

آنچه از ایشان یک مادر مظلوم به معنای حقیقی کلمه ساخته است، نه صرفاً به جهت نسبتشان با معصومین علیهم السلام؛ بلکه به دلیل جایگاه و نقش در بندگی خالصانه و فداکارانه حضرت است که برای نصرت امام مظلوم خود و هدایت دیگران از هیچ تلاش مادرانه‌ای فروگذار نکرد؛ لذا پیروان حقیقی، پیمودن راه او در خودسازی و یاری

امام را شرط اساسی بهره‌مندی از فیوضات مادرانه دنیوی و اخروی ایشان دانسته و به وضوح ثابت شده است که فاطمی بودن، هزینه سنگین مظلومیت را نیز به دنبال خواهد داشت.

فاطمیه امسال، رنگ و بوی دیگری از مظلومیت می‌دهد. تاکنون بسیاری از ستم‌هایی که در اذهان وجود داشت، بر اساس خوانده و شنیده‌ها بوده و کمتر مظلومیتی به عیان مشاهده شده که ظلم ظالم و مظلومیت مظلوم را به اندازه‌ای که اکنون در حال رخ دادن است نشان دهد. امروزه دستان آلوده ستمگران، از یک سو جنبه حقیقی یاوران حقانیت را مورد بدترین و پست‌ترین اقدامات ظالمانه سخت خود قرار داده و مرد و زن و کودک و پیر را به فجیع‌ترین شکل ممکن به خاک و خون می‌کشد و از سوی دیگر، جنبه حقوقی حقانیت که مصداق اتم آن جمهوری اسلامی است را مورد تهاجم نرم و بی‌امان خود قرار داده است. اسلام همواره در طول تاریخ مظلوم بوده و پیروان آن در عین مظلومیت، روزبه‌روز اقتدار خود را بیشتر کرده و موجبات بیداری جهانیان را فراهم ساخته‌اند.

شعار فاطمیه ۱۴۴۵ ناظر به همین موضوعی است که جهان را متوجه خود ساخته و سزاوار است تا هیأت‌های سراسر کشور با یک‌دلی، ندای مظلومیت مشترک حضرت

فاطمه علیها السلام و دیگر مظلومان عالم را به گوش همگان برسانند تا بدانند اولاً تنها راه نجات از یوغ ستمگران و گردنکشان، پیمودن همان مسیری است که حضرت زهرا علیها السلام در نصرت ولی خود پیمود و ثانیاً در مقابله با دشمنان تنها نبوده و دستان پُر مهر و یاری‌گر حضرت همیشه بر سر آنان خواهد بود.



اللَّهُ صَدَقَ بِمَا نَبَّأَهُمْ أَنَّ اللَّهَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلِيمٌ

وَاللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلِيمٌ

مظلومیت، روی دیگر حقانیت

دنیا، دار تزامن است و این تزامن تنها به امور طبیعی و مادی دنیا محدود نمی‌شود. خلقت دنیا به‌گونه‌ای بوده که به محض پا گذاشتن بر روی آن، عرصه رقابت برای کسب هر چه بیشتر مواهب آن آغاز گشته و دنیا را تبدیل به رقابت‌های بی‌پایان میان اهل دنیا با یکدیگر کرده است. حال، در صورتی که پای کسانی در میان باشد که داعیه دار حکومت الله بر روی زمین باشند، نه تنها رقابت دنیاپرستان برای چپاول قدرت به اوج خود می‌رسد؛ بلکه دنیا را تبدیل به کارزاری تمام‌عیار می‌کند که تمامی اهل دنیا، اعم از شیاطین انس و جن و نفوس اماره را با تمامی تجهیزات خود بر علیه جبهه حق شورانده و در این مسیر از هیچ ابزار و تلاشی فروگذار نمی‌کنند.

اینجاست که یاوران جبهه حق، اجازه مقابله غیرانسانی و غیرشرعی با جبهه باطل را نداشته و لازم است با پیشه‌کردن صبر و مدیریت حوادث با توکل بر خداوند متعال و برخورداری از قدرت علم و ایمان، از مراحل سه‌گانه عصر نبوت، عصر امامت و عصر ظهور به سلامت عبور کرده و هیمنه باطل را روزبه‌روز ضعیف و به ناتوانی و زبونی بکشاند. این امر جز با رهبری ولی الهی امکان‌پذیر نبوده و هر دین‌داری می‌بایست با نصرت وی، سهم خود را نسبت به رشد و تعالی نوع بشریت ایفا کند.

اما مهم‌ترین مشکل و چالش پیش روی یاوران حق، در تفاوت اساسی تقابل با دشمنان خود است که گاهی به دلیل برخورداری کمی و کیفی از عده و عده بیشتر در مقاطعی پیروز میدان بوده و گاهی به دلیل عدم برخورداری از آن و ضعف در بینش و گرایش یاران، مقاطعی را به‌ظاهر در انزوا به سر برده‌اند. از این رو، رهایی از هرگونه شرف و انسانیت دشمنان، آنها را بر آن داشته تا کینه‌ورزانه از هیچ ابزاری برای خاموشی نور الهی دریغ نکرده تا چنگال ظالمانه خود را بر قامت خوبان بکشند؛ غافل از آنکه: **«يُرِيدُونَ لَيُظْفِقُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ»**.^۱ اینجاست که

۱. سوره صف، آیه ۸.

مظلومیت یاران حق و در رأس آنها رهبران الهی نمایان گشته و لاجرم با پرده برداری از چهره خبیثانه دشمنان و ظالمین، روی دیگر حقانیت را شکل می دهند.

با این بیان، **مظلومیت تبدیل به اصلی شده که بر اساس آن، می توان پرده از غفلت ناآگاهان زدود و حتی دل های مرده را بیدار کرد.** هر چند دشمنان نیز در برهه ای کوتاه سعی در مظلوم نمایی داشته و یا خواستند جلوه مظلومیت را به هر کسی جز طرف حق تسری دهند؛ اما این حيله پائدار نبوده و مهم آن است که روی سیاه و آلوده اهل ظلم را برای حال و آیندگان برملا می کند. مظلومیت حقیقی در مرتبه اعلا از آن کسانی است که با روحی بلند و استوار در پی سعادت دنیوی و اخروی مردم بوده و خون خود را در این راه بذل نمودند و در مرتبه نازل تر، از آن کسانی است که تن به استضعاف ذلیلانه و خواسته های ظالمین ندادند. در هر صورت، ظلم پائدار نخواهد بود و آنچه ماندنی است، صلابت مؤمنین و مبارزین با ستمگران است. این سخن را در بیان زیبایی شهید حاج قاسم سلیمانی این گونه می خوانیم: **«ستمگران عالم عاقبتی جز نابودی ندارند. ظالمان مانند برفی که بر بلندای کوه جلوه گیری می کند و عمری ندارد، می روند و در حقیقت این کوه است که با صلابت پابرجا می ماند.»**^۱

۱. سخنان در سومین سالگرد شهید حجت الاسلام شیخ شعاعی و ۱۷۵ شهید غواص، سال ۱۳۹۷،

نقطه ایستادگی در برابر ظلم

ظلم را چگونه باید معنا کرد؟ آیا استضعافی که قرآن کریم از آن سخن به میان می آورد به معنای آن است که تا زمان رخ نمودن فَرَج، باید به ستمِ ستمگران راضی بود؟ بهترین پاسخ به سؤال فوق را می بایست در مراجعه به الگوی رفتاری و سیره عملی حضرات معصومین علیهم السلام یافت. چه بسیاری از مقدس نماهایی بوده و هستند که به دلیل عدم اتصال تام به منابع حقیقی و اصیل ولایت، به هنگام رخداد ظلم و ستم آن گونه که باید، اتخاذ موضع نکرده و بسیاری از پیروان خود را در مهلکه ای که دشمن انتظار آن را می کشد گرفتار می کنند.

کرمان.

شماره

مادر مظلومه بود و
یاور مظلوم ها

||

توضیح آنکه، تعریف ظلم و نحوه مواجهه با ظلم ظالم در نگاه برخی، از تفاوت چشم‌گیری نسبت به آنچه از موضع‌گیری اهل بیت عصمت و طهارت علیهم‌السلام مشاهده می‌شود برخوردار است. به‌عنوان مثال، برخی بر این باورند که اگر دشمنی به‌صورت تو سیلی زد، روی دیگر صورت خود را نیز برای سیلی بعدی آماده کن! یا تا زمانی که قدرت برتری برای مقابله با ظلم وجود نداشته باشد نباید در برابر آن ایستادگی کرد! یا خود قرآن کریم وعده داده است که آینده از آن مستضعفین بوده و این استضعاف را نمی‌توان تا زمان ظهور حضرت به اقتدار تبدیل نمود! این در حالی است که آنچه از سیره اهل بیت علیهم‌السلام مشاهده می‌شود غیر از آن چیزی است که این افراد و جریانات قائل به آن هستند. پس در **وهله اول باید ماهیت ظلم را به درستی فهم کرد و در وهله**

دوم تکلیف خود در قبال ظالم و مظلوم را مشخص نمود.

ظلم در حقیقت چیزی جز ستاندن حق دیگران نیست و در برابر عدالت تعریف می‌شود. زمانی که چیزی در موضع خود قرار نگیرد، لاجرم حق خود و دیگران در این میان تضییع گردیده و این امر می‌تواند در اشکال مختلفی چون ظلم به نفس، ظلم به دیگران و ظلم به خداوند ظهور و بروز پیدا کند؛ از همین رو از ظلم تحت عنوان یکی از بدترین رذایل اخلاقی یاد می‌شود که آثار فردی و اجتماعی ناگواری را به دنبال

دارد؛ لذا لازم است در قبال آن چاره‌اندیشی کرد و در غیر این صورت با گسترش ظلم، راه سعادت بر روی بشریت بسته خواهد ماند. سقوط تمدن و ویرانی یک اجتماع از زمانی آغاز می‌شود که بیماری ظلم، شروع به گستردن ریشه‌های خود در جامعه می‌نماید و خواسته‌های مردم مورد بی‌اعتنایی قرار می‌گیرد؛ چنان‌که امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام فرمودند: «به سبب ظلم، نعمت‌ها زایل می‌گردد و به نکبت مبدل می‌شود.»^۱

اما با وجود ظلم و ظالم، تکلیف مظلومین و یا کسانی که ستم‌دیدگی مظلومین را مشاهده می‌کنند چیست؟ ناگفته پیداست که خلقت و ذات هر انسان بیداردل، به‌گونه‌ای است که قلباً نسبت به ظلم احساس نفرت و انزجار داشته و به فراخور شرایط محیطی، نسبت به آن واکنش‌های مختلفی نشان می‌دهد. ولی کم‌وکیف این واکنش از آنجاکه به احساسات و گرایش‌های فرد بستگی دارد باید در چارچوب صحیح و شرعی انجام گرفته تا به نتایج مطلوبی منجر گردد. **تهذیب نفس و توجه به معاد، دو مسیر ابتدایی و پایه‌ای است که هر انسانی باید خود را به آنها آراسته کرده تا از یک سو از ظلم به نفس خود جلوگیری کند و از سوی دیگر قلبش در بزنگاه‌های اجتماعی آمادگی**

۱. غررالحکم و دررالکلم، ج ۱، ص ۸۹.

کنش‌گری مناسب را داشته باشد. قرآن کریم در خصوص اهمیت تزکیهٔ نفس می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا»^۱ هر کس نفس خود را به وسیله تقوا رشد داد به سعادت رسید. همچنین حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در خصوص اهمیت یاد قیامت فرمودند: «وَاللَّهِ لَئِنْ آيَتِ عَلَى حَسْبِكَ السَّعْدَانِ مُسَهَّدًا أَوْ أُجِرَّ فِي الْأَغْلَالِ مُصَفَّدًا، أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَلْقَى اللَّهَ وَرَسُولَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ظَالِمًا لِبَعْضِ الْعِبَادِ وَ غَاصِبًا لِبَشِيءٍ مِنَ الْخَطَايَا»^۲؛ به خدا سوگند، اگر شب را به روی خارهای جان‌گداز «سعدان» بیدار به سر برم و [روزها] در غل و زنجیرها بسته و کشیده شوم، برایم خوش‌تر است از اینکه خدا و رسولش را روز قیامت در حالی ملاقات کنم که به بعضی از بندگان ستم کرده و چیزی از اموال دنیا را غصب نموده باشم.

یکی دیگر از جلوه‌های درخشنده معارف اجتماعی اسلام، دستور «امر به معروف و نهی از منکر» است که در قبال مشاهدهٔ ظلم و آلودگی باید بدان تمسک جست. اسلام به ما می‌آموزد که در جامعه، سرنوشت هر مسلمان با مسلمانان دیگر ارتباط دارد؛ لذا مردم جامعه نباید در برابر زشتی‌ها و ستمگری‌ها بی‌اعتنا باشند؛ زیرا آثار

۱. سوره شمس، آیه ۱۰.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۲۲۴.

سوء آلودگی‌های اجتماعی تنها به خود افراد محدود نمی‌شود و همه‌جا را فراگرفته و با خود غرق خواهد کرد. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «تمام کارهای نیک و حتی جهاد در راه خدا در برابر امر به معروف و نهی از منکر چون آب دهان است در برابر دریای پهناور!»

جهاد با ظالم و قیام بر علیه آن، مرتبه دیگری است که نقطه ایستادگی در برابر ظلم را معرفی می‌کند و هر کس به فراخور توان و ظرفیت خود موظف است در این جهاد مقدس کام بردارد. گفتنی است این جهاد و قیام اگر با رعایت اصول و تدبیر صحیح آن صورت نگیرد می‌تواند نتیجه عکس به دنبال داشته باشد. هر یک از واکنش‌های متفاوت معصومین علیهم السلام در خصوص مقابله با دستگاه ظلم، نه به صورت دل‌خواه؛ بلکه بر اساس آگاهی و در نظر گرفتن نوع دشمنی‌ها و ستم‌ها متفاوت بوده و همین امر، جبهه درگیری را می‌توانست به شکل تقابل نرم و غیرمسلحانه تغییر دهد. همان‌گونه که بسیاری از ائمه معصومین علیهم السلام نوع جهاد و مبارزه خود با ظلم را به صورت مخفیانه و به فراخور شرایط سیاسی موجود به پیش برده‌اند.

این آموزه‌های زیبا و سعادت‌بخش، نه صرفاً در کلام بزرگان دین؛ بلکه در بُعد رفتاری و عملی ایشان رنگ و بوی بیشتری داشته است. با دقت در سیره انبیاء و اولیای

الهی در می‌یابیم ایشان با وجود آنکه مورد ظلم‌های فراوان مردم و مستکبرین زمان خود بودند، در هیچ یک از لحظات عمر بابرکت خود در برابر ظلم، بی‌تفاوت نبوده و با در نظر گرفتن اصل حفظ دین، بهترین و عاقلانه‌ترین کار ممکن را برای مقابله با آن به کار بستند؛ بنابراین، اگر قرآن کریم سخن از مستضعفین به میان می‌آورد، آنان را امام و پیشوایانی معرفی کرده که مهم‌ترین اهداف ایشان بسط عدالت و کلمه توحید بر روی زمین بوده است؛ لذا از ایشان به مستضعف عزیز (کسانی که مورد ظلم قرار گرفته؛ لکن این ظلم را نپذیرفته و به مقابله با آن برمی‌خیزند) در مقابل مستضعف ذلیل (کسانی که مورد ظلم قرار گرفته، آن را پذیرفته و با آن مقابله نمی‌کنند) یاد می‌شود.

ظلم عظیم و راه مقابله با آن

اگر روزگاری ظلم دشمنان در ریختن خون بی‌گناهان بود و در روزگاری دیگر این ظلم در برداشتن حجاب از سر نوامیس جلوه می‌کرد و در روزگاری دیگر در ربودن افکار جوانان رخ می‌نمود، اما امروزه به برکت جمهوری اسلامی با تقویت جبهه حق و روی کار آمدن جوانان مؤمن و متعهد به اسلام، تمام همّ و غمّ دشمنان در تمامی جوانب ستم‌پیشگی نمود پیدا کرده و گویی جبهه شیاطین انس و جن با تمام قوای خود به میدان کارزار آمده تا موجودیت خود را با هر وسیله‌ای حفظ کنند.

به بیان دیگر، جریان عالم از ابتدای خلقت بشریت تا روز قیامت دستخوش چالش‌ها و فرصت‌هایی بوده که استفاده صحیح و مبتنی بر دستورات اولیای الهی، رشد نوع





بشریت را رقم زده و در حال حاضر، ابتلائات بشری و تقابل میان ظالم و مظلوم در مرحله‌ای قرار گرفته است که بینش و تفکر انسان‌ها را درگیر فتنه جهل کرده است. این تقابل اگر به نقطه‌ای منتهی گردد که بشریت، با نیل به رشد فکری و بصیرتی بتواند از فتنه‌های عصر غیبت سربلند بیرون آید، نشان‌دهنده بلوغ فکری بشریت بوده و این بشر، همان بشری است که آمادگی آن را دارد تا در رکاب خورشید عظمای ولایت در عصر ظهور، دنیا را از ظلم و جور پاک نموده و حقیقت خلیفه‌اللهی را به منصف ظهور برساند.

از این رو، اوج‌گیری فتنه‌های آخرالزمان همان بستری است که تحقق بخش ظلم عظیم

تحریف حقایق بوده و در عصر حاضر گریبان‌گیر مردم عالم، به‌ویژه مسلمین گشته است.

صدا البته این فتنه‌های سنگین، از یک سو مدعیان متظاهر به ایمان و اسلام را یک‌به‌یک از مسیر دلدادگی به حق خارج ساخته و از سوی دیگر رویش‌های نابی را برای اصحاب آخرالزمانی حضرت ولی‌عصر ارواح‌نفاذ به ارمغان خواهد آورد.



بهترین سلاح ظلم شکن

بدیهی است تا زمانی که ظالم از ابزارها و روش‌های گوناگونی جهت برقراری ظلم استفاده کرده و در مقابل، مظلوم از ابزار و روش مناسبی جهت این رویارویی نابرابر بی‌بهره باشد، چیزی جز بسط ظلم و بی‌عدالتی و انزوای مظلومین در برنخواهد داشت. پس بر هر مسلمانی واجب است تا قبل از آنکه پا در میدان پیکار با ظلم بگذارد، خود را مسلح به سلاح قدرتمندی کند که تضمین‌کننده موفقیتش باشد. با مراجعه به حوادث تاریخ و رهنمون‌های گوناگون حضرات معصومین علیهم‌السلام به هنگام مواجهه با فتنه‌ها در می‌یابیم که حوادث تاریخ مدام در حال تکرار شدن است و تنها شکل و روش آن به‌مرور زمان پیچیده‌تر می‌شود. اینجاست که در آیات و روایات،

سفارش‌های اکیدی نسبت به عبرت‌گیری از گذشتگان شده و مسلمانان را نسبت به آمادگی فکری و روحی در برابر دشمنان متنبه کرده‌اند.

توانایی گذر از ظواهر و کشف باطن حوادث و فتنه‌های روزگار، شرط اولیه این آمادگی به شمار

می‌رود که از آن تحت عنوان «بصیرت» یاد می‌شود. عده‌ای از افراد سپاه امیرالمؤمنین (علیه السلام)

که از جنگ با مسلمانان متظاهر جبهه معاویه ابا داشتند، برای آن‌ها بسیار سنگین بود که با مسلمانان بجنگند؛ زیرا مشاهده می‌کردند که آن‌ها نیز نماز و قرآن می‌خوانند

و دعوت به حق می‌کنند. اینجا بود که امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: **«وَقَدْ فَتِحَ بَابُ الْحَزْبِ**

بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَ أَهْلِ الْقَبِيلَةِ»؛ درب جنگ میان شما و اهل قبله - کسانی که روبه قبله نماز

می‌خوانند - (یعنی مسلمان‌ها) باز شده است. ایشان در ادامه فرمودند: **«لَا يَخْمِلُ**

هَذَا الْعَلَمَ إِلَّا أَهْلَ الْبَصْرِ وَ الصَّبْرِ»؛ این پرچم را تنها کسانی می‌توانند بردوش گیرند

که اهل بینش و پایداری باشند. از این بیان روشن می‌گردد بصیرت به تنهایی کافی

نیست؛ چه بسا ممکن است با وجود بصیرت و به دلیل عدم برخورداری از پایداری و

سعه صدر در بزنگاه‌ها و مصیبت‌های زمانه، ظلم‌ستیزی با شکست مواجه شود. آیا

بصیرتی بالاتر از بصیرت حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) به هنگام هجوم به درب‌خانه وحی

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۷۳.

و رقم خوردن یکی از بزرگ‌ترین مظلومیت‌های تاریخ وجود داشت؟ قطعاً کسی برتر از ایشان در بصیرت نبود؛ لکن سعه صدر، استقامت و پایداری در برابر ظلم نیز در بالاترین حد خود در وجود مبارک حضرت ریشه دوانیده بود؛ لذا این بینش و بصیرت با سلاح دیگری به نام «صبر» همراه بود که اصل اسلام را حفظ نمود.

باید توجه داشت که فتنه‌های زمانه، عالم و جاهل و دین‌دار و بی‌دین و زن و مرد و پیر و جوان نمی‌شناسد و همگان را در هر جایی باشند مبتلای خود نموده و موقعیت بندگی کسی که از ابزارهای لازم جهت تقابل با ظلم برخوردار نباشد را با خطر سقوط و هلاکت مواجه خواهد ساخت. کسب این بینش و آگاهی عمیق و سودمند از حقایق (بصیرت) و استقامت و پایداری در راه حق (صبر) جز با زانو زدن در محضر اولیای الهی و ممارست در بندگی امکان‌پذیر نخواهد بود. پس بر همگان لازم است تا خود را به سلاح مبانی مستحکم فکری در بُعد عقل و به سلاح صبر و استقامت در بُعد روح مجهز نموده تا هر آن، آمادگی لازم برای هر گونه ظلم و جور در قالب فتنه‌های عظیم را داشته باشند.

ناگفته پیداست بصیرت و صبری که از طریق کسب معارف، عبرت‌ها، آموزه‌های عمیق و خودسازی شکل‌گرفته باشد، منجر به پیدایش دو بال «ایمان» و «امید» خواهد

شد که انسان را بر فراز قله‌های رفیع عمل و بندگی به اوج خواهد رساند و دست
ستمگران را از پیکر مظلومان کوتاه خواهد کرد. ایمانی که آگاهانه انسان را به سوی
اعمال صالح سوق داده و امیدی که انسان را هر لحظه، متکی به خدای خویش نماید،
هیچ نیروی ناپاکی قادر نخواهد بود در مسیر سعادت او مانع ایجاد کند.



عیار مظلومیت حضرت فاطمه علیها السلام

اگر حضرت فاطمه علیها السلام مظلومه خوانده می‌شوند، در بطن این مظلومیت، اقتداری نهفته است که هیمنه ظلم و تاریکی را یک‌تنه عقب رانده و بار حیاتی اسلام پس از شهادت پدر بزرگوارشان را به‌تنهایی بر دوش کشیدند. روا نیست که ایشان را صرفاً مظلومه‌ای بدانیم که منفعلانه توسط ظالمین زمانه مورد جسارت قرار گرفته و به شهادت رسیدند. حقیقت آن است که این جریان باطل بود که در زمین ایشان بازی کرده و شکست آنان روزبه‌روز نمایان‌تر گشته است. اگر بصیرت، صبر، ایمان و شجاعت ایشان نبود، هر آن، باید نابودی اسلام رقم می‌خورد؛ اما **جان‌فشانی حضرت**، **آینده اسلام را به‌گونه‌ای رقم زد که اگر از قدرت اسلام و تشیع نامی برده می‌شود، لاجرم نام**

شماره

مادر مظلومه بود و
یاور مظلوم‌ها

۲۵

و یاد حضرت در اذهان تداعی می‌شود و همین امر، مایه فخر شیعیان و محبین ایشان در

آسمان‌ها و زمین گشته است.

جنس مظلومیت حضرت، به قدری ناب و دست‌نیافتنی است که با گذشت بیش از هزار سال از شهادت ایشان، ابعاد تازه‌تری از عمق مظلومیت و ظلم‌ستیزی ایشان برای همگان نمایان می‌شود. اصلاً گویی تار و پود اعضای این خانواده را با حقانیت و مظلومیت اقتدارگونه درهم آمیخته‌اند و در هر برهه‌ای از فتنه‌های زمان، پرتوی از نور هدایت و یاری‌گری ایشان راهگشای مسیر مظلومان می‌شود. این بدان جهت است که اوج مؤلفه‌های ظلم‌ستیزی و حق‌طلبی با سرشت ایشان همگون گشته و همین امر بر شیاطین عالم بسیار گران آمده است.

در این ایام یکی از بزرگ‌ترین ظلم‌های تاریخ به برترین بانوی عالم روا گشت؛ ظلمی که نه به ضرر جبهه نور، بلکه نقطه آغازین رسوایی و نابودی ظلمت و تاریکی را رقم زده و موجب بیداری، رشد و تعالی کسانی گردید که هر یک به‌نوبه خود پدیدآورنده انقلابی در طول تاریخ بودند و انقلاب مهدوی همان انقلابی است که با شعار انتقام خون مظلومین، حق پایمال شده ایشان را از ظالمین پس خواهد گرفت. انتقامی که



نه فقط به جهت ظلم‌های روا شده بر شخص ایشان؛ بلکه حق پایمال شده ایشان که تا روز قیامت بر گردن ظالمین است را از آنان خواهد ستاند.



فتا

مادر مظلومه بود و
یاور مظلوم‌ها

ظلم‌ستیزی فاطمی در هیأت

اکنون که سخن از روزهای فاطمی در میان است، چه نیکوست با دلی واحد، زبانی واحد و حرکتی واحد، احوال این روزهای مسلمانان در اقصی‌نقاط عالم را با دیدی بصیرانه نگرست و در محافل و هیأت‌های فاطمی، وظیفه جهاد تبیین را با عمق و دقت بیشتری دنبال کرد. تمامی آنچه در این مقال بیان شد، روزه‌ای بود تا مسیر پیش روی این محافل انسان‌ساز را در مواجهه با ظالم و مظلوم روشن‌تر کند. اهمیت و ضرورت هیأت‌ها را باید در همین یک نکته دریافت که اگر نبودند هیأت‌ها و محافل عزاداری که در طول تاریخ و در میان خفقان و تاریکی زمانه بنیان اسلام را زنده نگه داشتند، امروزه نیز اثری از اسلام باقی نمانده بود. هیأت‌ها به‌عنوان محفل

تشکیلات مخفی شیعه، گرمای وجود اسلام را در زیر خاکستر ظلمت‌های زمانه حفظ نمود و اکنون که همین هیأت‌ها، به برکت انقلاب برآمده از شعارها و معارف ناب فاطمی و حسینی، آزادانه و مخلصانه در حال پیشروی در مسیر انسان‌سازی و جامعه‌پردازی هستند، نباید مهم‌ترین مأموریت و وظیفه خود در عصر حاضر را از اصل فعالیت‌های خود دور کنند. این وظیفه که با نام «جهاد» عنوان می‌شود، همان «تلاش حداکثری برای رفع موانع حاکمیت الله» است و مقابله و مبارزه با ظلم به‌عنوان یکی از مهم‌ترین بخش‌های این جهاد مقدّس در بطن آن نهفته است.

توضیح بیشتر آنکه این جهاد، با محوریت علم به تمامی ابعاد مظلومیت و ظلم‌ستیزی

حضرت صدیقۀ کبری علیه السلام تنها به تقابل فیزیکی با باطل محدود نمی‌شود؛ بلکه **با نگاهی**

جامع به جنبه‌های زندگانی حضرت در طول حیات با برکتشان در می‌یابیم تمامی لحظات

زندگانی ایشان و حضرات معصومین علیهم السلام، آمیخته با رکن اول توحید یا همان جمله «لا اله

اِلاَّ اللهُ» است. این جمله بدین معناست که اگر زندگی مؤمنین با نفی طاغوت (مبارزه

با ظلم و باطل) آغاز نگردد، به توحید منتهی نخواهد شد. پس این مبارزه با توجه به

موانع درونی و بیرونی هر انسان، در قالب جهادهای چهارگانه‌ای تعریف می‌شود که

توجه و برنامه‌ریزی بر اساس آنها برای هر فرد و هیأتی ضروری به نظر می‌رسد:

۱. «نفس» مهم‌ترین و جدی‌ترین مانعی است که می‌تواند از هر انسانی، ظالم‌ترین موجودات را بیافریند. تقابل با این مانع به قدری از اهمیت و ضرورت برخوردار است دارد که در روایات از آن به «جهاد اکبر» یاد شده است.

۲. در نگاه عارفان و عاشقان معبود حقیقی، نه‌تنها گناه، بلکه اعمال نیک نیز مانع آن است که خدای خود را آن‌گونه که باید ببینند و حق بندگی او را اجابت کنند. خود و اعمال خود را ندیدن و فقط خدا را دیدن، عبور از مانعی دیگر است که جهد در این مسیر را با نام «جهاد عظیم» یاد می‌کنند.

۳. اما دشمنان و ستمگرانی که مانع بیرونی بندگان مؤمن به شمار می‌روند، همیشه خود را در برابر نوری مشاهده می‌کنند که چشمان تاریک آنها را آزار می‌دهد؛ لذا در مقاطع بسیاری، خوی درندگی خود را با کشیدن چنگال ظالمانه بر چهره مظلوم نشان داده و دستان خود را به خون مؤمنین آغشته می‌کنند. اینجاست که اسلام دستور مقابله با این نوع دشمنی آنها را در قالب مبارزه مسلحانه می‌دهد و از آن به «جهاد اصغر» یاد می‌شود.

۴. دشمن تا زمانی که قدرت مقابله مسلحانه با مؤمنین را داشته باشد از هیچ‌گونه خونریزی دریغ نخواهد کرد و این را در طول تاریخ به‌گزارت ثابت کرده است. اما این

ظلم و دشمنی تنها در این قالب محدود نمی‌شود و با برخورداری از نیرویی غیر از قدرت سرد، به مقابله نرم با مؤمنین می‌پردازد. دستور قرآن کریم نسبت به مبارزه در این نوع درگیری، تحت عنوان «جهاد کبیر» یاد می‌شود که طی آن، عدم پیروی از دشمن در جهات مختلف فرهنگی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و... جزو لوازم این جهاد به شمار می‌رود. لازم به ذکر است که تبیین و روشنگری در برابر هجمه‌های فکری دشمن در ذیل همین جهاد تعریف می‌شود.

با نگاه به سیره و الگوی فکری و رفتاری حضرت صدیقۀ طاهره علیها السلام به این مهم رهنمون می‌شویم که هیچ یک از جهادهای فوق‌الذکر از زمره زندگی مجاهدانه ایشان خارج نبوده است. ایشان در مبارزه با نفس و دوری از گناهان و خطاها در جایگاهی قرار داشتند که از سوی پدر بزرگوارشان در زمره اهل بیت علیهم السلام جای گرفته و قرآن کریم نسبت به پاکی و عصمت ایشان مهر تأیید زده است. این خودسازی به مرحله‌ای رسید که روح کلام این بانوی بزرگ در گفتارشان را اتصال بندگی به خداوند متعال شکل داده و در گفتار و رفتارشان، کسی جز خدا را نمی‌دیدند. این زندگی مجاهدانه تنها به این مراحل خلاصه نمی‌شود و در ابعاد زندگی اجتماعی نیز با پشتیبانی یگه و تنها از ولایت، در برابر شدیدترین زخم‌های وارده از سوی ظالمان مقاومت نموده و

خود به همراه فرزندش را فدای راه اسلام کردند. در این میان، با وجود جراحت‌های وارده از خشم ستمگران، دست از یاری امام مظلوم و غریبش حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام برداشت و به هیچ‌عنوان حاضر به تبعیت و همراهی باطل نگردید و رسالت خود را با تبیین و روشن‌نگری به سرانجام رساند که خطبه فدکیه، مصداق اتم این فکر و زندگی مجاهدانه قلمداد می‌شود.

ایشان درسی به امت اسلام و تمامی آزادی‌خواهان دادند که متضمن عالی‌ترین درجات انسانیت و عطوفت است. آیا هیأتی که قرن‌های متوالی این معارف مجاهد‌پرور را سینه‌به‌سینه نقل کرده تا امروزه به صورت گسترده در اختیار همگان قرار گیرد،

وظیفه‌ای جز پیمودن راه فاطمی و حسینی را بر عهده دارد؟ **هیأتی که هویت و سرشت**

آن با تمامی ابعاد زندگی فردی و اجتماعی عجین شده است، باید در خط مقدم ستیز با ظلم

حضور محسوسی داشته باشد. اگر فرد هیأتی، دائماً خود را در خطر به بند کشیده شدن

توسط نفس و شیطان نبیند بسی جای نگرانی دارد. اگر فرد هیأتی، اعمال و رفتاری که چیزی جز وظیفه بندگی او نبوده را دائماً مقابل خود ببیند و خدای خود را فراموش کند، باز هم جای نگرانی دارد. اگر فرد هیأتی، کشتار بی‌رحمانه و ظالمانه مظلومان عالم را ببیند و نسبت به آن بی‌تفاوت باشد و اقدام محسوسی انجام ندهد، باید

علاوه بر شیعه بودن، به محب بودن خود نیز شک کند و اگر فرد هیأتی، دائماً در حال سینه‌زنی باشد؛ ولی نسبت به تهاجم فکری و فرهنگی دشمنان بی تفاوت و منفعل باشد، باید بداند شمر زمان به سینه‌زنی او افتخار خواهد کرد.

به راستی که مادر شیعیان مظلومه بود. تنهایی، غربت، زخم‌زبان، تیغ ستم، و حتی گمنامی تنها نمونه‌ای از مظلومیت ایشان به شمار می‌رود. این مظلومیت، شباهت‌های بسیاری با فرزندشان حضرت بقیة الله ارواحنا فداه دارد. امیرالمؤمنین علی (علیه السلام) از یک سو در ترسیم مظلومیت حضرت زهرا (علیها السلام) فرمودند: «إِنَّ فَاطِمَةَ بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمْ تَزَلْ مَظْلُومَةً مِنْ حَقِّهَا مَمْنُوعَةً وَ عَنْ مِيرَاثِهَا مَدْفُوعَةً لَمْ تُحَفَظْ فِيهَا وَصِيَّةُ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ لَا رُوعِيَ فِيهَا حَقُّهُ وَ لَاحِقُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَ كَفَى بِاللَّهِ حَاكِمًا وَ مِنَ الظَّالِمِينَ مُنْتَقِمًا»؛ فاطمه دختر پیامبر همواره مظلوم بود و از حق خود و ارث پدر محروم گردید و درباره او به توصیه پیامبر عمل نشد و حق پیامبر و خدای بزرگ نسبت به فاطمه مراعات نشد و خدا به‌عنوان داور و انتقام‌گیرنده از ستمگران کافی است. از سوی دیگر ایشان در خصوص مظلومیت و غربت حضرت مهدی ارواحنا فداه بیان داشتند: «صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الشَّرِيدِ الظَّرِيدِ



أَلْفَرِيدُ أَلْوَجِيدُ»؛ صاحب این امر، همان رانده شده دور شده یگانه و تنها است. **مظلومه بودن تنها شاخصه ایشان نیست و حضرت علاوه بر آن، همواره پشتیبان و یاری‌گر مظلومین نیز بوده‌اند** که حمایت و یاری قلبی، زبانی و جسمی از اول مظلوم عالم، مولای متقیان و یاری رزمندگان اسلام در سخت‌ترین شرایط جزو بهترین و بارزترین نمونه این حمایت مادرانه است.

دنیا، دنیای تقابل میان ظالم و مظلوم است. مظلوم حقیقی این دوران کسی جز مهدی فاطمه سلام الله علیهما نیست. **تازمانی که تمام زندگی فردی و اجتماعی مؤمنین بر محوریت یاری ایشان انجام نگیرد، بزرگ‌ترین افسوس در یوم الحسرة را به دنبال خواهد داشت.** این اصلی است که نباید از سوی هر فرد و مجموعه‌ای نادیده گرفته شود. امید است که با بصیرت، صبر، ایمان و امید بتوان مجاهدانه در مسیر یاری اسلام و تقابل با ظلم گام برداشت و با تحقق تمدن نوین اسلامی، زمینه ظهور حضرت مهدی موعود ارواحنا فداه را فراهم نمود.



مادرم معصومه بود
مادرم مظلومه بود
اول مظلوم علی بود
مولا حامی مظلوم
تنها یار حیدر
تنها یار حیدر
تنها یار حیدر
«زهرایار حیدر»

بیت زهرا می شود
مادرم مظلومه بود
وقتی ذکر لب ما
از جنگ با ستمگر
داریم عهد دیرین
داریم عهد دیرین
داریم عهد دیرین
سنگر مظلومها
یار مظلومها
شد «لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»
کی دارد شیعه پروا؟
تا شکوه و عزت دین
تا رهایی فلسطین
«لِلْمَظْلُومِ عَوْنًا»

مادرم مظلومه بود و یاور مظلوم‌ها

یعنی با یک‌دلی، ندای مظلومیت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام و دیگر مظلومان عالم را به گوش همگان برسانیم تا بدانند. اولاً، تنها راه نجات از یوغ ستمگران و گردنکشان، پیمودن همان مسیری است که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام در نصرت ولی خود پیمود؛ و ثانیاً در مقابله با دشمنان تنها نبوده و دستان پُر مهر و یاری‌گر حضرت همیشه بر سر آنان خواهد بود.



سازمان

پژوهش‌های

مطالعاتی

۰۲۵ - ۷۵ ۳۸ ۱۴ ۱۱

۳ ۰۰۰ ۱۵۴۲

www.1542.org

info@1542.org

که به دنبال ارتباط بیشتر
مجتبان سیدالشهدا علیهم السلام است...
قرار نیست مشعر تولید کند.
قرار است مشعر آینه تولیدات
و فعالیت‌های شما باشد.
اینجا، جای آرم هیأت شماس
که باید در شماره‌های بعد پرش کنید...

جامعه ایمانی مشعر،
محفلی است برای گردآمدن
هیأت‌های کشور،
مشعر چیزی جز اجتماع هیأت‌ها نیست،
جامعهای فراتر از مرزهای نژادی و
تقسیمات جغرافیایی و سیاسی.
اجتماعی ایمانی و توحیدی است